پیام چهار

مرحله چهارم غزل غزل‌ها –

محکم‌تر خوانده‌شده برای زندگی کردن درون پرده

ازطریق صلیب پس‌از رستاخیز

خواندن کتاب مقدس: غزل غزل‌ها ۶: ۴آ، ۱۳

۱. عاشق مسیح ازطریق زندگی کردنش در صعود مسیح به‌عنوان خلقت نو در رستاخیز، در ثروت‌های حیات مسیح بالغ می‌شود تا آنکه نه‌تنها باغی برای مسیح (غزل غزل‌ها ۴: ۱۲ – ۵: ۱؛ ۶: ۲)، بلکه جایگاه مقدس خدا گردد که توسط تِرصَه نشان داده شده و حفاظ آن که توسط اورشلیم نشان داده شده است (آ. ۴آ):

آ. پادشاه، جوینده عاشقش را برای زیبایی‌اش با این اعلانِ می‌ستاید، «ای محبوبه من، تو مثل ترصه جمیل، و مانند اورشلیم زیبا... هستی» – آ. ۴آ.

ب. ترصه، پایتخت پادشاهان اسرائیل و محل کاخ پادشاهان (۱ پادشاهان ۱۴: ۱۷؛ ۱۵: ۲۱؛ ۱۶: ۲۳)، در اینجا به معنایی مثبت ذکر شده است تا جایگاه مقدس خدا، محل سکونت خدا به‌عنوان پادشاه، را نشان دهد؛ شهر مقدس اورشلیم پایتخت یهودا و حفاظ محل سکونت خدا، معبد، روی زمین بود.

پ. در عهد قدیم بنای خدا توسط ترصه و اورشلیم نماد شده است؛ در عهد جدید این بنا بدن ارگانیک مسیح است؛ نهایتاً، بناسازی بدن ارگانیک مسیح که زوجه مسیح نیز است (افسسیان ۵: ۲۵-۳۲؛ قس. پیدایش ۲: ۲۲)، اورشلیم نو را تکمیل خواهد کرد، همان شهر مقدس به‌عنوان تکمیل قدس‌الاقداس، سکونت متقابل خدا و بازخریدشدگانش در ابدیت (مکاشفه ۲۱: ۲-۳، ۱۶، ۲۲).

۲. باغی برای مسیح شدن، شکوفا بودن در عنصر حیات مسیح با ثروت‌های کاوش‌ناپذیر آن است؛ جایگاه مقدس خدا شدن، بناسازی شدن (مربوط به بناسازی بدن مسیح) در رشد در حیات مسیح با ثروت‌های کاوش‌ناپذیر آن تا به بلوغ است – افسسیان ۳: ۸؛ ۴: ۱۲-۱۶:

آ. گرچه جایگاه مقدس خدا در آسمان‌هاست، ولی توسط پرده که نشان‌دهنده جسم ماست به دو بخش تفکیک شده است – عبرانیان ۱۰: ۱۹-۲۰.

ب. در ارتباط با مسیح، پرده در جایگاه مقدس خدا در زمان مصلوب شدن مسیح شکافته شد (متی ۲۷: ۵۱)، اما در ارتباط با ایمانداران، برای مقصود رسیدگی خدا به آنها این پرده همچنان باقی است.

پ. پولس رسول در حیات مسیح بالغ شده بود و در صعود مسیح زندگی می‌کرد، ولی خدا همچنان اجازه داد که ازطریق فرشته شیطان خاری در جسمش داشته باشد تا مبادا زیاده سرافرازی نماید – ۲ قرنتیان ۱۲: ۷.

ت. خدا در اقتصاد خود، نخست با حیات رستاخیزش ما را در روحمان تولد تازه می‌بخشد (یوحنا ۳: ۶؛ رومیان ۸: ۱۰؛ ۱ پطرس ۱: ۳)؛ سپس توسط فرایندی درونی و متابولیک ما را در روانمان دگرگون می‌کند و مسیح و ثروت‌هایش را به‌عنوان عنصر نوی ما به‌درون وجودمان می‌آورد و سبب می‌شود که عنصر کهنه و طبیعی ما به‌تدریج تخلیه شود (۲ قرنتیان ۳: ۱۸؛ رومیان ۸: ۲)؛ در پایان، بدنمان در هنگام بازآمدن مسیح تبدیل شکل می‌دهد تا هم‌شکل بدن جلال مسیح شود (فیلیپیان ۳: ۲۱؛ رومیان ۸: ۲۳).

۳. هنوز هم نیاز به خواندگی نهایی ما توسط خداوند وجود دارد تا درون پرده زندگی کنیم ازطریق تجربه محکم‌تر صلیب در رسیدگی به جسم‌مان، پس‌از تجربه‌مان از رستاخیز او به‌عنوان خلقت نوی خدا:

آ. پس‌از آنکه عاشق مسیح، او را برای رضایت دنبال کرد و در مرحله اول غزل غزل‌ها به آن دست یافت، خداوند نخست او را خواند تا توسط تجربه صلیبش، هنگامی‌که توسط درون‌نگری منزوی شده بود از خود رهایی یابد؛ سپس خداوند او را فراتر خواند تا به‌عنوان خلقت نوی خدا در رستاخیز، در صعودش زندگی کند؛ اکنون در نهایت، خداوند او را به زندگی کردن درون پرده در قدس‌الاقداس، خود خدا، می‌خواند تا از تجسم خدای تکمیل‌شدهٔ تجسم‌یافته در مسیح مسرت برد – قس. عبرانیان ۱۰: ۲۲:

۱. برطبق اقتصاد خدا، صرف نظر از آنکه چقدر ممکن است بالغ و روحانی شویم، تا زمانی‌که بر روی زمین زندگی می‌کنیم، یعنی تا زمانی‌که هنوز بدنمان تبدیل‌شکل نیافته است (رومیان ۸: ۲۳؛ فیلیپیان ۳: ۲۱)، هنوز هم جسم را داریم که همان پرده است.

۲. ما باید بیاموزیم که توسط هر روز تجربه کردن رسیدگی صلیب از میان پرده عبور کنیم تا درون پرده، در قدس الاقداس، زندگی کنیم – ۱ قرنتیان ۱۵: ۳۱؛ لوقا ۹: ۲۳.

۳. هنگامی‌که به‌درون مقدس‌ترین مکان وارد شویم، به‌درون خدا وارد می‌شویم و جایگاه مقدس می‌گردیم؛ به این معنا، ما در حیات و طبیعت، اما نه در خدایی، خدا می‌شویم؛ ما به‌عنوان شولمیت حقیقی، نسخه دوم و بازتولید مسیح می‌شویم که «خدای حق و حیات جاودانی» است – ۱ یوحنا ۵: ۲۰.

۴. سه قلم شگفت‌انگیز، درون صندوق در قدس‌الاقداس برای تجربه و مسرت ما وجود دارد:

آ. منّای مخفی در ظرف طلایی به خدا پدر به‌عنوان منشأ الهی همهٔ تأمین اشاره دارد – خروج ۱۶: ۳۲-۳۴؛ مکاشفه ۲: ۱۷آ.

ب. عصای شکوفا نشان‌دهنده مسیح به‌عنوان رستاخیز است؛ در میان سهٔ تثلیث الهی، دومی رستاخیز است – اعداد ۱۷: ۱۱-۱؛ یوحنا ۱۱: ۲۵.

پ. لوح‌های قانون به قانون روح حیات به‌عنوان قانون درونی در روح ما اشاره دارد (رومیان ۸: ۲، ۱۰) که توسط لوح‌های عهد نشان داده شده‌اند (خروج ۲۵: ۱۶؛ ۳۱: ۱۸؛ تثنیه ۱۰: ۱-۵؛ ارمیا ۳۱: ۳۳).

ت. ما باید ببینیم که پدر در ماست (افسسیان ۴: ۶)، پسر در ماست (کولسیان ۱: ۲۷؛ ۲ قرنتیان ۱۳: ۵) و روح در ماست (رومیان ۸: ۹).

ث. ازاین‌رو، پدر، پسر و روح در قدس‌الاقداس سکونت دارند؛ هنگامی‌که ما به‌درون روحمان به‌عنوان قدس‌الاقداس عملی وارد شویم، به‌درون خدا وارد می‌شویم و با پدر به‌عنوان منشأ تأمین، با پسر به‌عنوان رستاخیز و با روح به‌عنوان قانون حیات ملاقات می‌کنیم.

ب. اینجاست که تمام جویندگان مسیح که در قدس‌الاقداس، در خدای سه‌یکتای تکمیل‌شده، زندگی می‌کنند، از خدای سه‌یکتای فرآوری‌شده و تکمیل‌شده به کامل‌ترین حد، مسرت می‌برند؛ این بالاترین مرحله در تجربه عاشق مسیح است چنان‌که در غزل غزل‌ها ارائه شده است.

۴. نهایتاً، ما هم‌شکل می‌شویم تا شولمیت شگفت‌انگیز باشیم که به‌عنوان نسخه دوم سلیمان، بزرگ‌ترین و نهایی‌ترین گونه اورشلیم نو به‌عنوان همتای مسیح است – ۶: ۱۳؛ مکاشفه ۲۱: ۲، ۹-۱۰؛ ۲۲: ۱۷آ:

آ. درست همان‌طور که سلیمان پادشاه یک مرد روستایی شد تا از دختری روستایی عاشقانه دلجویی کند به این منظور که او را ملکه‌اش، نسخه دوم خودش، کند، خدا در مسیح یک انسان شد تا از انسان عاشقانه دلجویی کند به این منظور که انسان را در حیات، طبیعت، ابراز و عملکرد، اما نه در خدایی، خدا سازد تا عروس مسیح باشد – متی ۹: ۱۵؛ مکاشفه ۱۹: ۷؛ قس. مزامیر ۴۵: ۱-۳، ۹، ۱۳-۱۴.

ب. کتاب مقدس آشکار می‌کند که خدا انسان شد تا از ما عاشقانه دلجویی کند و اینکه اکنون او می‌خواهد که ما توسط الهی شدنمان برای ابرازش ازطریق رابطه شخصی پرمهر، خصوصی و روحانی‌مان، از او عاشقانه

دلجویی کنیم – جامعه ۱: ۲؛ غزل غزل‌ها ۱: ۱-۸؛ قس. ۲ قرنتیان ۲: ۱۰؛ خروج ۳۳: ۱۱؛ رومیان ۸: ۴، ۶؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱۵.

پ. «شولمیت،» شکل مؤنث «سلیمان» است که نشان می‌دهد، اکنون غالبان در حیات، در طبیعت، در ابراز و در عملکرد، اما نه در خدایی، همسان مسیح شده‌اند تا اقتصاد خدا را اجرا کنند:

ت. شولمیت از دید خدا به رقص دو اردوگاه یا دو لشکر («محنایم [mahanaim]»، عبرانی)، تشبیه شده است؛ پس‌از آنکه یعقوب فرشتگان خدا، دو لشکر خدا را دید، مکانی را که در آن بود، محنایم نامید و زنان، فرزندان و دارایی‌های خود را به «دو لشکر» تقسیم کرد – غزل غزل‌ها ۶: ۱۳؛ پیدایش ۳۲: ۱-۲:

۱. هنگامی‌که یعقوب در راهِ روبرو شدن با عیسو بود، فرشتگان خدا او را ملاقات کردند و او آن مکان را محنایم نامید – آآ. ۱-۲.

۲. پس‌از آنکه یعقوب فرشتگان را به‌عنوان دو لشکر خدا دید، زنان، فرزندان و دارایی‌های خود را به دو گروه یا به «دو لشکر» تقسیم کرد که نشان می‌دهد، ما از حد زیاده نصرت‌یافتگان هستیم و شهادتی محکم را در خود داریم – آ. ۷.

۳. این همچنین نشان می‌دهد که خدا «غول‌ها» را نمی‌خواهد، بلکه فقط نحیفان، ضعیف‌ترها، زنان و کودکان، را می‌خواهد – ۲ قرنتیان ۱۱: ۲۹؛ رومیان ۹: ۱۶.

۴. خدا آنانی را که در خودشان قوی هستند نمی‌خواهد؛ آنانی که شایسته شمرده می‌شوند تا غالبان باشند ضعیف‌ترها خواهند بود که در اصلِ بدن مطلقاً به خداوند اتکا می‌کنند – ۱ قرنتیان ۱: ۲۶-۲۸؛ ۲ قرنتیان ۱۱: ۲۹؛ ۱۲: ۹-۱۰؛ ۱۳: ۵-۳؛ مکاشفه ۳: ۸؛ ۱ پطرس ۵: ۵؛ تثنیه ۳۲: ۳۰؛ جامعه ۴: ۹-۱۲؛ رومیان ۹: ۱۶؛ ۱۶: ۲۰.

۵. مفهوم روحانی دو لشکر، شهادت محکم است که ما ازطریق او که ما را برطبق اصل بدن مسیح دوست داشت، از حد زیاده نصرت می‌یابیم – ۸: ۳۷؛ ۱۲: ۵؛ تثنیه ۳۲: ۳۰؛ جامعه ۴: ۹-۱۲.

۶. خدا به مردمی نیاز دارد که با او یکی باشند، مردمی که تسلیم او باشند که توسط گیسوی بافته‌شده نشان داده شده است (غزل غزل‌ها ۱: ۱۱) و مردمی که با اراده‌ای انعطاف‌پذیر مطیع او باشند که توسط گردنی با رشته‌هایی از جواهرات نشان داده شده است (آ. ۱۰).

۷. هنگامی‌که ما چگونگیِ رسیدن به بالاترین قله مکاشفه الهی را درنظر می‌گیریم، نباید به خودمان اعتماد کنیم، بلکه باید به خداوند به‌عنوان عشق، قدرت و رحمت اتکا کنیم تا ما را ظروف رحمت، عزت و جلال سازد – رومیان ۹: ۱۶، ۲۳-۲۱؛ غزل غزل‌ها ۸: ۵-۶.

© 2026 Living Stream Ministry